

۷. مهارت‌های مددکاری

در توانمندسازی ایتام بر مبنای سیره ائمه اطهار* علیهم‌السلام

- اسماعیل خارستانی^۱
- فاطمه سیفی^۲

چکیده

مددکاری در تعالیم همه ادیان آسمانی آمده است و همه رهبران الهی، مردم را بدان فرا خوانده‌اند. از این رو، خاستگاه مددکاری را باید در ادیان جستجو کرد، چراکه یکی از مهم‌ترین پندهای همه ادیان، کمک کردن و یاری رساندن به همدیگر و هم‌نوع خود است. در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام نیز به مددکاری و یاری رساندن، به‌ویژه به یتیمان، توجه ویژه‌ای شده و دستورات صریح و اکیدی در این خصوص دارد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی مبنای و مهارت‌های مددکاری اسلامی در توانمندسازی ایتام بر مبنای سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام به‌ویژه امام رضا علیه‌السلام می‌باشد. روش پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی است. جامعه تحقیق شامل قرآن کریم و احادیث و روایات معصومین علیهم‌السلام و دیگر بزرگان است که در کتاب‌ها، نشریات و پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق می‌باشد. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده و بر این اساس، از منابع فوق‌الذکر استفاده گردیده است. در این تحقیق،

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۱۶.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت - دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

kharestani57@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی.

ابتدا مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با تحقیق، تعریف و بیان شده است. سپس اهمیت و ضرورت مددکاری در جامعه بر مبنای سیره ائمه علیهم‌السلام ذکر گردیده و در پایان نیز، عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در توانمندسازی ایتام بر مبنای سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام به‌ویژه امام رضا علیه‌السلام مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و به این نتیجه رسیده است که، مددکاری یک اصل مهم اجتماعی و همه‌جانبه است که علاوه بر امور مادی، ابعاد روحی و معنوی زندگی را نیز شامل می‌شود. ائمه اطهار علیهم‌السلام به‌ویژه امام رضا علیه‌السلام در سیره و آموزه‌های خود همگان را به توجه و یاری رساندن به ایتام و توانمند ساختن آنها جهت عهده‌دار شدن امور زندگی خود سفارش نموده و مؤلفه‌هایی برای آن معرفی نموده‌اند که با بهره‌گیری از این مؤلفه‌ها می‌توان به ثمرات آن دست یافت.

واژگان کلیدی: مددکاری، توانمندسازی، ایتام، ائمه اطهار علیهم‌السلام، امام رضا علیه‌السلام

مقدمه

یکی از مبانی اولیه اعتقادی در اسلام، مددکاری و کمک به هم‌نوع است. دین اسلام بر اساس رسیدگی به نیازمندان بنا شده و مهم‌ترین رکن آن، همین مددکاری است.

دین اسلام به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی، همواره، مستضعفان و محرومان اجتماع را زیر حمایت خویش داشته است و در این میان، ایتام بیشتر از سایر محرومان مورد عطف و رحمت قرار گرفته‌اند.

توجه و اهمیت دین اسلام دربارهٔ یتیم‌ها، افزون بر آن که از رحمت و لطف خدا سرچشمه می‌گیرد، جنبهٔ دیگری نیز دارد و آن نگاه پیش‌گیرانه از عواقب رها شدن یتیم‌ها به حال خود می‌باشد، چون اگر چنین افرادی به حال خود رها شوند، در آینده هزینه‌های سنگینی را بر جامعه وارد خواهند ساخت و می‌توانند عامل بسیاری از ناهنجاری‌های جامعه شوند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۰، ۴۶۳/۲۶).

وجود کودکان یتیم که پدر یا والدین خود را در طفولیت از دست داده‌اند در هر جامعه‌ای اجتناب‌ناپذیر است. این کودکان در همهٔ ادیان الهی مورد توجه بوده و بر ضرورت تعهد نسبت به آنان و امنیت از تجاوز به حقوقشان و ترغیب در جلب دوستی و

اظهار لطف به آنها، تأکید بسیار شده تا آنجا که رعایت حال آنان از جمله بندهای عهدنامه‌ای است که خداوند از بنی اسرائیل گرفته است: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهََ وَاللَّهَُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ﴾ (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۰، ۴۶۳/۲۶)؛ و به یاد آورید زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و یتیمان و بینوایان نیکی کنید.

این آیه شریفه، احسان به چند گروه از جمله یتیمان را از وظایف ضروری اهل ایمان و از مصادیق اعمال شایسته دانسته است، چراکه بندهای این میثاق عام بوده و اختصاص به بنی اسرائیل ندارد، بلکه از اصول حقیقی دین الهی است که در همه شرایع مقدسه بوده و ثابت و غیر قابل تغییر است.

رسول گرامی اسلام ﷺ نیز می‌فرماید: «مِنِ افْضَلِ الْعَمَالِ عِنْدَ اللَّهِ اِبْرَادُ الْكِبَادِ الْحَارَةِ، وَ اشْبَاعُ الْكِبَادِ الْجَائِعَةِ، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَا يُؤْمِنُ بِي عَبْدٌ بَيْتُ شَبْعَانَ وَ اخُوهُ (او قال جاره) الْمُسْلِمُ جَائِعٌ» (قمی، ۱۴۲۷، ج ۱، ماده «جوع»); برترین اعمال از نظر خداوند، خنک ساختن دل‌های سوخته تشنگان و سیر کردن شکم‌های گرسنه است. قسم به آنکه هستی محمد در اختیار اوست، ایمان به من نیاورده آنکه سیر بخوابد و برادر مسلمان یا همسایه او گرسنه باشد.

حضرت امام رضا علیه السلام نیز در همین خصوص فرمودند: «لِأَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبَلْوَى...» (حکیمی، ۱۳۶۷، ۲۳۳)؛ خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا برای (اداره) امور بیماران زمین گیر و دیگر مبتلایان قیام کنند.

آئین مقدس اسلام در مسیر خدمات اجتماعی و تأمین نیازهای انسان از مرز توصیه به نیکوکاری و ارشاد و دعوت مردم به محبت و یاری، یا حمایت از سالمندان و کودکان فراتر رفته و قوانین مشخص و تکالیف شرعی بر همگان فرض نموده است. فرامین این دین جهان شمول در قالب اعمال واجب و مستحب و حرام و مکروه، مسلمانان را در موارد متعدد، ملزم به انجام وظایفی دربارهٔ ایتم و بی‌سرپرستان، فقراء و مستمندان و دیگر افراد و گروه‌ها نموده است و پس از تأکید و توصیه در حمایت و

یاری همهٔ دردمندان و نیازمندان، چگونگی حمایت و مددکاری را نیز به شکل قوانین مشخص و مدون تعیین کرده است.

الف. طرح مسأله

مددکاری یکی از موضوعات اصیل و آرمانی در فرهنگ اسلامی به حساب می‌آید که جایگاه معنوی رفیع و دامنهٔ بسیار وسیعی در جهان‌بینی اسلامی دارد که پرداختن به آن، سزاوار وقت‌گزاری بیشتر و بحث و بررسی‌های دقیق و جامع‌تری دارد. از این‌رو، در آیات و روایات، بر تأمین نیازمندی‌های نیازمندان جامعه، به ویژه ایتام سفارش شده است. گذشته از این، در سیرهٔ عملی معصومین علیهم‌السلام شواهد فراوانی در اقدام به دستگیری از فقرا و محرومان جامعه می‌یابیم. یکی از مواردی که بسیار مورد سفارش دین اسلام است، توجه و رسیدگی به یتیمان جامعه است.

مشکل یتیمی از پدیده‌های اجتماعی محسوب می‌شود که از گذشته در جوامع انسانی مطرح بوده است، جوامع نیز به تناسب با چنین قشری، برخوردی متفاوت داشته‌اند، برخی از دیدهٔ ترحم و عطف، ایتام را گرامی داشته و بعضی هم بر مشکلات ایتام افزوده‌اند، دین مقدس اسلام به عنوان آیینی جهانی که برای تمام بخش‌های جامعه انسانی برنامه دارد، بی‌تردید دربارهٔ یتیمان و مسائل مادی و معنوی آنها، برنامه و توصیه‌های فراوانی دارد که برخی در قرآن کریم بیان شده و بعضی نیز در روایات و سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام آمده است.

بر این اساس، مسألهٔ اصلی این پژوهش مهارت‌های مددکاری در توانمندسازی یتیمان جامعه از منظر ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام به ویژه امام رضا علیه‌السلام است.

ب. اهداف تحقیق

الف. بررسی تعاریف و اصطلاحات توانمندسازی، یتیم، مددکاری، سیره که مرتبط با تحقیق می‌باشد.

ب. بررسی اهمیت و ضرورت مددکاری در جامعه بر مبنای سیرهٔ ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام.

ج. بررسی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در توانمندسازی ایتام بر مبنای سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام به‌ویژه امام رضا علیه‌السلام.

ج. سؤالات تحقیق

الف. معانی و مفاهیم توانمندسازی، یتیم، مددکاری و سیره چه می‌باشد؟
 ب. بر مبنای سیره ائمه علیهم‌السلام، مددکاری چه اهمیت و ضرورتی در جامعه دارد؟
 ج. بر مبنای سیره و آموزه‌های ائمه علیهم‌السلام به‌ویژه امام رضا علیه‌السلام عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در توانمندسازی یتیمان کدامند؟

د. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی است.

ه. تعریف مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با تحقیق

۱. توانمندسازی

«توانمندسازی اصطلاحی است برای توصیف هموار کردن راه خود یا دیگران برای تلاش در جهت دستیابی به اهداف شخصی» (ابوت و والاس، ۱۳۷۶، ۳۱۱).
 تواناسازی، یعنی آزاد کردن نیروهای درونی افراد، برای کسب دستاوردهای شگفت‌انگیز و تکنیکی است برای افزایش بهره‌وری (جان، ۱۳۸۱، ۴۵۹/۱).
 هیل و هاک توانمندسازی را چنین تعریف می‌کنند: آموختن چیزهایی به دیگران که می‌توانند انجام دهند تا کمتر به شما تکیه کنند (هیل و هاک، ۲۰۰۴).

۲. یتیم

یتیم در اصطلاح مفسران دارای معنای ویژه‌ای است؛ چنان که مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌گوید: «یتیم به کسی گفته می‌شود که پدرش را از دست داده و این واژه برای شخصی که مادرش مرده به کار نمی‌رود. برخی معتقدند که در میان افراد انسان، یتیم کسی است که پدرش مرده و در حیوانات به کسی که مادرش را از دست

داده اطلاق می‌گردد» (طباطبایی، ۱۳۷۶، ۱/ص ۲۱۹)؛ محمدطاهر بن عاشور در معنای یتیم می‌نویسد: «از نظر عرب‌ها، کودکی که تنها مانده و پدرش را که حامی و دفاع‌کننده و نفقه‌دهنده او بوده، از دست داده، یتیم است و این مطلب درباره مادر صدق نمی‌کند، زیرا با از دست دادن او بی سرپرست نمی‌ماند» (ابن عاشور، ۱۸۷۹ق، ۴/۲۱۹).

۳. مددکاری

مددکاری اجتماعی حرفه‌ای است مبتنی بر دانش، اصول، مهارت، روش‌ها که هدف از آن کمک به افراد، گروه‌ها و جامعه است تا بتوانند با تکیه بر توانایی‌ها و امکانات موجود برای حل مشکل و رفع نیاز اقدام کنند و به استقلال نسبی و رضایت خاطر فردی دست یابند (موسوی چلک، ۱۳۸۵).

مددکاری اجتماعی خدمتی است حرفه‌ای که بر دانش، مهارت و ارزش‌های خاص، به منظور کمک به افراد، گروه‌ها و جامعه قرار دارد تا آنها قادر شوند استقلال شخصی و اجتماعی و رضایت خاطر خود را از زندگی به دست آورند.

۴. سیره

سیره در اصطلاح به معانی متفاوتی به کار رفته و تعریف واحدی که مورد وفاق همه اندیشمندان باشد، تاکنون درباره آن وجود ندارد. برخی از سیره‌شناسان آن را به معنای طریقه و حالت دانسته که برگرفته از مفهوم لغوی آن است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ۱۴/۱۹۹). شهید مطهری بیش از دیگران در مفهوم‌شناسی سیره سخن گفته است. ایشان هم وزن بودن سیره با هیئت «فعله» را دلیل بر این قرار داده که این هیأت، معنای خاصی به آن می‌بخشد و آن معنا عبارت از نوع و سبک خاص رفتار است، به نظر ایشان هر رفتاری را نمی‌توان اصطلاحاً سیره نامید؛ بلکه رفتاری که دارای روش و سبک ویژه باشد، مصداق سیره خواهد بود (مطهری، ۱۳۸۸، ۴۵). برخی دیگر از سیره‌نویسان بر همین اساس «سبک و قاعده رفتار» را معنای سیره دانسته‌اند که بنابراین قواعد حاکم بر رفتار فرد را باید جست و جو کرد (داودی، ۱۳۸۴، ۱/۱۰).

بر مبنای سیره ائمه علیهم‌السلام، مددکاری چه اهمیت و ضرورتی در جامعه دارد؟ بدون تردید، در هر جامعه‌ای افراد نیازمند، فقیر و محروم وجود دارند؛ کسانی که یا

توان کار و کوشش ندارند و یا درآمدشان به اندازه‌ای نیست که تمام مخارج و هزینه‌هایشان را تأمین نماید. به دلیل آنکه در بینش اسلامی، همه افراد بندگان خدایند و تمام ثروت‌ها نیز متعلق به اوست، نیازمندی‌های این گونه افراد در حد ممکن و مورد قبول باید تأمین شوند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ۲۷۲). این مسئله به خوبی ضرورت مددکاری و دیگریاری را در جامعه به اثبات می‌رساند.

از این رو، مکتب اسلام مددسرانی را به عنوان یکی از ضرورت‌های تفکر هنجاری مورد توجه قرار داده و بر خیرخواهی، تقوا و شتاب در همکاری، همیاری و دیگریاری مؤمنان تأکید نموده و آنان را از هرگونه مددسرانی در بدی‌ها و دشمنی‌ها، که به نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی دامن می‌زند، برحذر داشته است (پبله ور، ۱۳۵۰، ش ۱۱۶، ۴۶).

در نظام اسلامی، انسان‌ها همانند اعضای یک پیکر محسوب می‌شوند که اگر یکی از آنان دردی احساس نماید و در رنج باشد، سایر اعضا نیز در آن احساس با وی شریکند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ۱۴۹).

بر اساس روایات اسلامی، مسلمانان نسبت به یکدیگر حقوق و وظایفی دارند که یکی از آنها «مواسات در مال» است؛ در صورتی یکی از آنان نیازی داشته باشد، دیگران باید در تأمین آن بکوشند. در این زمینه، احادیث فراوانی داریم. در یکی از این احادیث، رسول گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که سیر باشد و برادر او گرسنه، به خدا ایمان نیاورده است و نیز کسی که پوشیده باشد، در حالی که برادرش برهنه، به خدا ایمان نیاورده است (طبرسی، ۱۳۹۲، ۱۳۴).

مددسرانی و تأمین اجتماعی اقشار محروم و نیازمند جامعه همواره به عنوان یکی از ضرورت‌های تفکر هنجاری مورد توجه اسلام قرار گرفته است. از این رو، در قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام ضمن تأکید بر مددکاری و سعی در رفع مشکلات اجتماعی و اقتصادی فقرا و محرومان جامعه، به مبانی فلسفه آن نیز اشاره شده است.

مددکاری و تعاون یکی از اصول اخلاقی مهم است که در قرآن با صیغه امر به آن اشاره شده و همین امر، نشانگر اهمیت و ارزشمندی آن است. خداوند در سوره مائده می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾؛ و (همواره)

در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید. و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید (سوره مائده، آیه ۲).

در این آیه، هم جنبه مثبت قضیه و هم جنبه منفی آن بیان شده است و این اشاره به این دارد که مدد رسانی و همکاری باید هم در دعوت به نیکی‌ها و هم در مبارزه با بدی‌ها انجام گیرد.

روایات نیز با عناوین مختلفی مسلمانان را به یاری یکدیگر فراخوانده و در بعضی از امور، آن را واجب و ضروری دانسته است.

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «بر شماست که یکدیگر را نصیحت کنید و نیکو همکاری نمایید. درست است که هیچکس نمی‌تواند حق اطاعت خداوندی را چنانکه باید بگذارد. لکن باید به قدر توان، حقوق الهی را رعایت کند که یکی از واجبات الهی، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن، و بر پا داشتن حق و یاری دادن به یکدیگر است» (دشتی، ۱۳۸۹، خطبه ۲۱۶، ۳۱۴).

از سویی، همکاری و یاری رساندن در کارهای زشت، مورد نفرت اسلام است تا جایی که مرتکب آن را به دوزخ تهدید کرده و گفته شده اینان در روز قیامت مشمول عذاب خدا خواهند بود، تا خدا تکلیف سایر بندگان را تعیین فرماید و سپس به کیفر آنان رسیدگی کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «روز قیامت، دستیاران ستمگران، در سراپرده‌ای آتشین جای می‌گیرند تا خداوند میان بندگان داوری کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۰۷/۵).

در مددکاری، خدمت‌رسانی و خدمات اجتماعی اسلام، به جنبه‌های روانی نیز توجه فراوان شده است. اسلام تنها به جسم پرداخته، بلکه «خدمات روانی» را نیز لازم شمرده شده است. برای نمونه، می‌توان از «مسرور ساختن افراد و شاد کردن دل آنان» یاد کرد، تا آنجا که باب مخصوصی در این زمینه در کتاب‌های حدیث به نام: «باب ادخال السُّرور علی المؤمنین» وارد شده است. در همین زمینه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «همانا محبوبترین اعمال نزد خداوند، شادمان ساختن مؤمنان است» (کلینی، ۱۴۱۴، ۲/ح ۱۰).

و. مؤلفه‌های مؤثر در توانمندسازی یتیمان

بر مبنای سیره و آموزه‌های ائمه علیهم‌السلام به‌ویژه امام رضا علیه‌السلام عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در توانمندسازی یتیمان کدامند؟

۱. توجه به تربیت و اخلاق یتیمان

یکی از مؤلفه‌هایی که در توانمندسازی ایتام نقش و تأثیر بسزایی دارد، توجه به امر تربیت و اخلاق یتیمان است.

امام علی علیه‌السلام در کنار محبت و انجام مسئولیت عاطفی، مسائل تربیتی و بازسازی اخلاقی آنان را نیز فراموش ننموده، و می‌فرمود: «أدب الیتیم ممّا تُؤدّب منه وُلْدک وَ اضربهُ ممّا تضرب منه وُلْدک» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۹۷/۱۵، ح ۱)؛ هم‌چنانکه فرزندان خود را تربیت می‌کنید، یتیمان را نیز ادب نمائید و به طوری که در هنگام نیاز، فرزندان خویش را می‌زنید، از یتیمان نیز غفلت نکنید (چنانچه نیاز باشد می‌توان متوسل به تنبیه مجاز شرعی شد) تا بچه‌های لوس بار نیابند.

آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید:

«انا الهادی، انا المهدی، انا ابوالیتامی و المساکین، و زوج الارامل، و انا ملجأ کل ضعیف، و مأمن کل خائف» (فیض کاشانی، ۱۳۶۲، ۲۰۴/۴).

من هادی مردم و هدایت یافته خدایم، من پدر یتیمان و بی‌چارگانم، من سرپرست زنان بیوه و پناهگاه ضعیفاء و امید و پشتوانه ستمدیدگانم.

بنابراین یکی از مهمترین مسائل درباره ایتام، بحث تعلیم و تربیت و هدایت آنها به سویی است که بتوانند در آینده، انسان‌های صالح و ثمربخش باشند. به تجربه ثابت شده است که هرگاه خداوند متعال، نعمتی را از انسان بگیرد، در مقابل، ظرفیتهای بالایی به او می‌دهد؛ برای مثال اکثر افراد نابینا یا ناشنوا از حافظه و استعداد بالاتری در مقایسه با دیگر افراد جامعه برخوردارند. برخی کودکان نیز در مقابل از دست دادن پدر، استعداد فوق‌العاده‌ای دارند که هدایت این استعدادها، آینده جامعه را تضمین می‌کند؛ چنانکه افزون بر پیامبر عظیم‌الشان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بسیاری از علما و دانشمندان نیز در بدو تولد یا در

زمان کودکی از نعمت پدر محروم شده‌اند (فجری، ۱۳۸۵). اما اگر یتیم را به حال خویش واگذارند و به جای آنکه بر اثر دلسوزی، مهربانی، مراقبت و تربیت، دلش را سرشار از فضایل و عشق به جامعه کنند و به ابزار خدمت به اجتماع مسلح سازند، به او بی‌توجهی و از جامعه طرد کنند، ناخواسته او را به ابزار خصومت به اجتماع مسلح کرده‌اند. در نتیجه فردی بی‌بند و بار و خالی از فضایل و پر از کینه به اجتماع، خواهد شد. چنین فردی در نخستین فرصت، ضربه‌های جبران‌ناپذیر خود را به پیکر اجتماع وارد می‌کند و انتقام خود را از اجتماع می‌گیرد.

۲. آگاه ساختن آنها از مزایای استفاده مطلوب از زمان

یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر در توانمندسازی ایتم، استفاده صحیح از فرصت‌ها و مغتنم شمردن وقت است. ارزش وقت و زمان و عمر در فرهنگ اسلامی به نحو قابل توجهی مورد تأکید و عنایت قرار گرفته است. عمر و زمان، بهترین و ارزشمندترین سرمایه انسانی است که در صورت از دست رفتن، دوباره به دست نخواهد آمد. در روایات اسلامی و آیات قرآن بر اهمیت و جایگاه زمان و فرصت‌ها و همچنین استفاده بهینه و مطلوب از آن تأکید فراوان شده است. امام علی علیه السلام بر خلاف فرهنگ عامه که عمر انسان‌ها را با سال می‌سنجند، عمر انسان را با تعداد نفس‌های او می‌سنجند و این، حساسیت عمر انسانی و سرمایه زندگی او را نشان می‌دهد؛ «إِنَّ عَمْرَكَ عِدَّةُ أَنْفَاسِكَ وَ عَلَيْهَا رَقِيبٌ تَحْصِيهَا» (آمدی، بی‌تا، ۱۵۸)؛ عمر تو، شماره نفس‌های توست و این نفس‌ها را، نگهبانی شمارش می‌کند.

استفاده مطلوب و بهینه می‌تواند ایتم را از افتادن در دام انحرافات باز دارد، چراکه عدم استفاده مناسب از اوقات فراغت، زمینه را برای آسیب و ناهنجاری فراهم می‌سازد.

۳. فراهم کردن شرایط کار مناسب برای آنان

راز دعوت قرآن به تلاش و کوشش برای این است که انسان با تلاش و کوشش بر فقر و نیاز مالی چیره گردد و با تلاش و کوشش، هم به امکانات وسیع مادی برسد و هم هویت انسانی خویش را در برابر بیگانه و اجنبی حفظ کند، چه آنکه آدمی وقتی فقیر و محتاج باشد، ناگزیر است دست نیاز خویش را پیش بیگانه دراز کند و روشن

است که این نوع رفتار در واقع، وارد شدن لطمه به هویت انسانی شخص مؤمن است. در روایات هم، بر غلبه نمودن بر فقر مالی به وسیله تلاش و کوشش دعوت و تشویق شده است.

کار و کوشش، قانون عام آفرینش برای شکوفایی اقتصادی و دستیابی به اهداف و آرزوهای بلند است. خداوند در این باره هیچ بخلی نورزیده است. هرکه این قانون را به درستی به کار گیرد، دنیای او رونق می گیرد و شکوفا می شود؛ اگر چه بر آیینی جز آیین اسلام باشد. در مقابل، هرکه از این قانون مهم، غفلت کند و آن را نادیده انگارد و وانهد، دچار تنگنا، عقب ماندگی و تهی دستی خواهد شد؛ اگرچه مسلمانی شیعی و دارای مکتب «اثنی عشری» باشد و گرچه شب و روز خویش را به دعا و توکل و عبادت سپری کند.

امام رضا علیه السلام به خوبی از این قانون آگاه بود، چنان که سامان بخشیدن به دنیای انسان ها را در گرو پابندی به این قانون می دانست. در نتیجه، آنها را به کار و کوشش فرا می خواند. احمد بن ابی نصر بزنطی می گوید: «به امام رضا علیه السلام گفتم: کوفه به من نمی سازد و زندگی در آن همراه با مضیقه است. زندگی ما در بغداد بود و در آنجا، درب روزی بر مردم گشاده است. حضرت فرمود: «اگر می خواهی بیرون بروی برو؛ چراکه امسال، سال آشفته ای است و مردمان را چاره ای جز طلب روزی و کوشش برای به دست آوردن معیشت خوب نیست. پس طلب و کوشش را برای به دست آوردن امکانات زندگی از دست مده» (حکیمی، ۱۳۶۷، ۴۶۸/۶).

تنها تن آدمی نیست که به کار نیاز دارد، بلکه رشد روح او و قوای معنوی و فکر و فرهنگ و تربیت او نیز بستگی به کار دارد و بیکاری، بر معنویت آدمی نیز آثاری زیان بار می گذارد. اگر آدمی، هر چه را که نیاز دارد، در اختیار داشت و طبیعت، آماده و ساخته پرداخته به او می داد و در نتیجه، اوقات خود را پیوسته به بیکاری و فراغت می گذراند، به فساد و تباهی کشیده می شد و ناگزیر، نیرو و انرژی خود را در راه هایی صرف می کرد که به نابودی خود و هم نوعانش می انجامید (حکیمی، ۱۳۷۰، ۲۲۴-۲۲۵). بنابراین، فراهم آوردن شرایط کار مناسب برای ایتامی که از مرحله کودکی گذر نموده اند، می تواند آنها را توانمند ساخته و برای جامعه فردی مفید به شمار آیند.

۴. ایجاد خلاقیت در آنها جهت نوآوری در کار و زندگی

نظام هستی از مبدأ قیاض ذات اقدس الهی، در حال فیض گرفتن است و این امر به مفهوم شکوفایی و نوآوری مستمر و همیشگی است. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَعْبُونٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۲۷/۷۸)؛ اگر کسی دو روزش یکسان باشد، گرفتار غبن و زیان است. و حتی در روایت دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده که می‌فرماید: «وَمَنْ كَانَ عَدُوًّا سَرًّا مِنْ يَوْمِهِ فَهُوَ مَلْعُونٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۲۷/۷۸)؛ و هر که فردایش از امروزش بدتر و واپس مانده‌تر شود، نفرین شده‌ای است زیانبار. از این روایت‌ها برمی‌آید که مؤمن هیچگاه نباید حالت ایستایی و توقف پیدا کند، بلکه باید همواره در حال ابتکار و نوآوری باشد. خلاصه اینکه یکی از اهداف بعثت انبیا، پرورش روحیه خلاقیت و نوآوری در انسانها است، چنانکه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» [خدا پیامبران را برانگیخت تا] توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را برای آنان آشکار سازند (دشتی، ۱۳۸۹: خطبه شماره ۱).

۵. ایجاد و تقویت اعتماد به نفس در آنها

اعتماد به نفس در گرو احترام به خود و نگرش مثبت به خویش است. احساس ارزشمندی یا عزت نفس، نیاز فطری انسان است. آبراهام مازلو روانشناس معروف در کنار نیازهای جسمانی، نیازهای ایمانی، نیاز به عشق، محبت، تعلق به دیگران و نیاز به احترام و شأن اجتماعی را مطرح کرده است (مازلو، ۱۳۶۷، ۱۵۴). اعتماد به نفس، ارتباطی مستقیم با ارضای این نیاز درونی دارد. مازلو می‌گوید: هنگامی که نیاز احترام به خود ارضا شود، شخص احساس اعتماد به نفس، ارزشمندی، توانایی، قابلیت و کفایت می‌کند و وجود خود را در دنیا مفید و لازم می‌یابد، اما عقیم ماندن این نیازها، موجب احساس حقارت، ضعف و نومیدی می‌گردد (مازلو، ۱۳۶۷، ۱۵۵). بر این اساس، اسلام در تمام برنامه‌های عبادی و اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی خود، عزت و کرامت نفس را لحاظ کرده است. اگر انسان خود واقعی را پیدا کند، دیگر احساس حقارت نمی‌کند و گوهر وجودی خود را با هیچ چیز عوض نمی‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ بَا نَفْسِ خُودِ هَيْجِ مَوْجُودِي رَا بَرَابِرِ نَمِي كُنْم، جَز

پروردگارم. تمام دنیا و غیر خدا را با این گوهر نفیس برابر نمی‌کنم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۵/۴۷).

اعتماد به نفس تا حدّ زیادی متوقف بر شناخت جنبه‌های مثبت و توانایی‌های نسبی و آگاهی از استعدادها و قابلیت‌ها و کشف آنها است. شخص دارای ضعف اراده، می‌پندارد که دیگران توانایی‌ها و استعدادهایی دارند که او ندارد. دیگران کارهایی را انجام می‌دهند که او نمی‌تواند، در حالی که این مسئله اصلاً صحیح نمی‌باشد؛ چون که اگر تأمل و دقت کند، می‌بیند که او نیز همان توانایی‌ها را دارد، یا استعدادهایی دارد که دیگران ندارند. او می‌تواند با آگاهی از این استعدادها و توانایی‌ها آنها را شکوفا نموده و با تکیه بر آنها به توانایی‌های برتر دست یابد.

عدم اعتماد به نفس غالباً، بر اثر فقدان امکانات و توانایی‌ها نیست، بلکه به دلیل عدم شناسایی خویشتن است. در این راستا، اطرافیان نقش بسیار مهمی می‌توانند ایفا نمایند (مازلو، ۱۳۶۷، ۱۵۵). به این صورت که با بیان قابلیت‌ها، به یتیم اطمینان دهند تا به مرور زمان، وی بتواند با کفایت‌های شخصی‌اش رابطه منطقی برقرار نماید. رسیدن به مقاصد و اهداف، دور از دسترس نیست، فقط باید حوزه شناخت و آگاهی را توسعه داد.

بزرگترین ضعف انسان، کوچک شمردن خود و عدم خودباوری است. انسان از طریق همت بلند، بردباری، وقار، کردار زیبا و خستگی‌ناپذیری در تلاش می‌تواند به خواسته‌های معقول و مشروع خویش نائل شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «من بذل جهد طاقته بلغ کنه ارادته» (آمدی، ۱۳۷۳، ۴۴). هر که توان خود را برای رسیدن به هدف خود به کار گیرد به تمام خواسته‌هایش خواهد رسید.

بنابراین، ایجاد و تقویت اعتماد به نفس در ایتم، گام مؤثری در توانمندسازی آنها خواهد بود.

۶. تشریح آینده به منظور دوراندیش نمودن آنها

اساس هر تصمیمی، دوراندیشی است. همراهی دوراندیشی با هر تصمیمی،

خوشبختی را به ارمغان می‌آورد، بدان حد که «دوراندیش در گرفتاری‌ها سرگشته نخواهد شد». همچنین دوراندیشی فن است و ثمره آن، سالم ماندن از آسیب‌ها است. «کسی که دوراندیشی او را پیش نبرد، ناتوانی و درماندگی عقب نگاهش می‌دارد».

امام علی علیه السلام در تبیین معنای دوراندیشی می‌فرماید:

«دوراندیشی، زیرکی، نگهداری تجربه و عاقبت‌نگری است» (آمدی، ۱۳۷۳: ح ۱۰۸۸۱).

و درباره فرجام کسانی که بی‌دوراندیشی تصمیم می‌گیرند، می‌فرماید: «من تورط فی الأمور غیر ناظر فی العواقب فقد تعرض لمدرجات النوائب» (کراچی، ۱۴۱۰، ۲۸۰/۱)؛ هر کس دست به کاری زند بی‌آنکه در عواقب آن بیندیشد، خود را در مهلکه گرفتاری اندازد.

در جهت توانمندسازی ایتم، ضمن در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی که ذکر شد، می‌بایست آنها را نسبت به آینده امیدوار نمود و کمک کرد تا برای آینده خود تصمیم‌گیری کنند.

۷. علم‌آموزی و بیان اهمیت آن به منظور جدیت آنها در کسب علم

اهمیت علم و علم‌آموزی از آن روست که علم، ضعف‌ها و ناتوانی‌های انسان، حتی ضعف‌های جسمانی را از بین می‌برد. امام هشتم علیه السلام می‌فرماید «العلم، قوة الأبدان من الضعف» (عطاردی، ۱۴۰۶، ۸/۱)؛ علم، بدن‌ها را از ضعف و ناتوانی می‌رهاند و به آن نیرو می‌بخشد.

امام رضا علیه السلام در جایی دیگر می‌فرماید: «العلم أمام العمل و العمل تابعه یلهم به السعداء و یحرمه الأشقیاء، فطوبی لمن لم یحرمه الله منه حظّه» (عطاردی، ۱۴۰۶، ۷/۱)؛ علم، پیشگام عمل است و عمل پیرو آن، سعادت‌مندان از علم بهره می‌گیرند و شقاوت‌مندان از آن محرومند، خوشا به حال کسی که خداوند بهره علم را بر او حرام نکرده است. این امور در بیان محاسن علم، بدان دلیل است که اصل وجود هر انسانی خرد اوست و علم سبب می‌شود انسان خردمندتر شود. بنابراین اصل انسان، همان علم است، اصلی که انسان باید به آن برسد.

بر اساس این مؤلفه، می‌بایست شرایط را برای علم‌آموزی ایتم فراهم نمود تا پس از گذراندن دوران کودکی و نوجوانی به فردی توانمند در جامعه تبدیل شوند.

۸. نظامند و هدفمند نمودن زندگی برای آنها

هدفداری یک انسان در تمام شئون زندگی او اثر می‌گذارد و معتقد بودن به یک سلسله «مبادی» و «اصول»، فرد را در نحوه برخورد با مردم، چنان در چارچوب آن اهداف و مبانی مفید می‌سازد که از تمام موضعگیری‌ها و سخنان و رفتار، می‌توان آن را فهمید.

«نظم» در لغت به معنای آراستن، برپا داشتن، ترتیب دادن کار و... (صفی پور، ۱۳۹۰، واژه‌نظم) و در اصطلاح نظامی، به معنای پیروی کامل از دستورهای نظامی است (معین، ۱۳۷۵، واژه‌نظم). انضباط نیز به معنای نظم و انتظام، ترتیب و درستی، عدم هرج و مرج، سامان‌پذیری و آراستگی است (دهخدا، ۱۳۷۹، واژه‌انضباط).

«احتیاج به نظم و ترتیب، جزء احتیاجات اساسی روانی محسوب می‌گردد، رنگ و شکل خاصی به زندگی می‌دهد، افراد میل دارند زندگی فردی و جمعی خود را تحت نظم و قاعده مشخصی درآورند» (شریعتمداری، ۱۳۷۴، ۱۴۹).

یکی از دستورات امام رضا علیه السلام برای نظام‌مندی و هدفمندی زندگی، روایت ذیل می‌باشد. آن حضرت می‌فرماید:

۱. بخشی از آن را برای ارتباط و راز و نیاز با خداوند قرار دهید.
۲. بخشی دیگر را برای امور معاش و گذران زندگی تنظیم نمایید.
۳. قسمتی را برای معاشرت با دوستان مورد اعتماد و آن‌ها که عیب شما را معرفی می‌نمایند و در باطن با شما اخلاص می‌ورزند قرار دهید.
۴. بخش نهایی را برای بهره‌گیری از لذات مشروعتان قرار دهید. زیرا با استفاده از این اوقات است که شما قادر به تلاش در زمان‌های دیگر خواهید شد (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ۴۲۳).

بنابراین، از طریق ایجاد نظم در زندگی ایتم و نظام‌مند نمودن زندگی آنها می‌توان زمینه را برای توانمند ساختن آنها فراهم ساخت.

۹. بیدار کردن وجدان کاری در آنها

یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر در توانمندسازی ایتم که بیشتر جنبه عاطفی و روانی دارد، بیدار کردن وجدان کاری در آنهاست.

وجدان کاری به معنای جدیت و تلاش، دقت، اتقان و استحکام در کار و سنگ تمام گذاشتن برای انجام آن است که از ارزش‌های والای اسلامی است. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در سیره عملی خود به آن پایبند بودند و به آن توصیه می‌کردند.

کسی که وجدان کاری دارد باید به کارش عشق و علاقه داشته باشد؛ در انجام دادن کار از خود جدیت نشان دهد؛ از سستی و کاهلی، وقت‌گذرانی و کم‌کاری پرهیزد؛ امین باشد؛ از سرهم‌بندی پرهیزد و کار را متقن و مستحکم ارائه دهد و خلاصه اینکه در همه مراحل کار، به موازین شرع مقدس پایبند باشد و بکوشد از راه کار کردن درآمدی حلال به دست آورد.

کسی که دارای وجدان کاری است، با تمام توان می‌کوشد و کار را با جدیت پی‌می‌گیرد، سستی نمی‌کند، تنبلی به خود راه نمی‌دهد، از مسامحه‌کاری و وقت‌گذرانی می‌پرهیزد، کم‌کاری نمی‌کند و از زیر کار در نمی‌رود. کسی که از تلاش و جدیت در کار برخوردار شد سعادت‌مند است و زندگی‌اش سامان می‌گیرد: «قَدْ سَعِدَ مَنْ جَدَّ؛ و به جهت برخورداری از این ویژگی به مراد خویش نایل می‌شود: «مَنْ بَدَّلَ جُهْدَ طَاقَتِهِ بَلَّغَ كُنْهَ إِرَادَتِهِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۴۵۹/۱)؛ کسی که نهایت توان خود را به کار برد، به مطلوب نهایی خویش نائل خواهد شد.

فردی که وجدان کاری در او بیدار است، در جهت رسیدن به هدف تلاش می‌کند و می‌تواند فردی توانمند برای جامعه باشد.

۱۰. توجه دادن آنها به حسن ظن داشتن به خدا

حسن ظن به خدا و خوش‌بینی به او، یکی از مؤلفه‌های اساسی در توانمند ساختن ایتم در زندگی است.

امام رضا علیه‌السلام در مورد خوش‌بینی به خداوند می‌فرماید:

«أَحْسَنَ الظَّنِّ بِاللَّهِ فَإِنَّ مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ كَانَ عِنْدَ ظَنِّهِ، وَ مَنْ رَضِيَ بِالْقَلِيلِ مِنْ الرِّزْقِ قُبِلَ مِنْهُ الْيَسِيرُ مِنَ الْعَمَلِ، وَ مَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَلَالِ خَفَّتْ مَوْتُهُ وَ نَعِمَ

اهله، وَ بَصَّرَهُ اللَّهُ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَوَاءَهَا، وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۴۴۹)؛ به خداوند خوش‌بین باش، زیرا هر که به خدا خوش‌بین باشد، خدا با گمان خوش او همراه است، و هر که به رزق و روزی اندک خشنود باشد، خداوند به کردار اندک او خشنود باشد، و هر که به اندک از روزی حلال خشنود باشد، بارش سبک و خانواده‌اش در نعمت باشد، و خداوند او را به دنیا و دوایش بی‌سازد و او را از دنیا به سلامت به دارالسلام بهشت می‌رساند.

به خدا خوش گمان باشید، زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: من نزد گمان بنده مؤمن خویشم، اگر گمان او خوب است، رفتار من خوب و اگر بد است، رفتار من هم بد باشد (کلینی، ۱۴۱۴، ۱۱۶/۳).

بر اساس این مؤلفه، اگر یتیم پس از آنکه تلاش و همت خود را جهت مؤثر بودن در جامعه بکار گرفت، نتیجه را به خدا واگذارد و به او توکل کند، به آرامش خواهد رسید که این امر، تأثیر بسزایی در توانمندسازی او خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

در زندگی انسان‌ها، خلأها و کمبودهایی وجود دارد که جز از طریق محبت و دوستی نمی‌توان آن را جبران کرد و در این میان، کودکان یتیم بیشترین نیاز را احساس می‌کنند؛ زیرا آنها که در اثر از دست دادن پدر از سرچشمه مهر و محبت دور افتاده‌اند بیش از هر چیز به نوازش و محبت محتاج‌اند و برای این احساس عاطفی و روحی خواه ناخواه در انتظار پاسخ هستند. از سوی دیگر، وجود چنین افرادی در هر جامعه غیر قابل اجتناب است، زیرا هیچ جامعه‌ای خالی از حادثه نیست، به‌ویژه در جامعه اسلامی که جهاد و دفاع از اهمّ واجبات است و بدیهی است در اثر این حوادث، خواه ناخواه گروهی پدران خود را از دست داده و بی‌سرپرست باقی می‌مانند. در چنین محیطی، برای رفع این کمبودها باید پیش‌بینی‌های لازم را معمول داشت، بدین جهت دین مقدس اسلام مسئله ایتام را به عنوان یک مسئله اساسی و مهم مطرح کرده و مسلمانان را نسبت به سرنوشت آنان از جمیع جهات (اقتصادی، عاطفی، آموزشی و تربیتی و...) مسئول دانسته است.

در اسلام، مسئولیت‌های فردی و اجتماعی به طور غیر قابل تفکیکی به هم پیوسته که خدمت به دیگران و فعالیت در جهت رفاه مسلمانان، امیدوارکننده‌ترین راه برای افزایش فایده فردی و جلب رضای خداوند است.

خدمت‌رسانی و تعاون در کارهای نیک، به‌ویژه مددکاری به ایتام یک فرمان الهی است و معصومین علیهم‌السلام، مددکاری را در بین مسلمانان به عنوان بنیاد جامعه اسلامی و رمز کار آن در همه امور فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهند.

با توجه به آنچه مورد بررسی قرار گرفت، مددکاری و توجه به ایتام و توانمند ساختن آنها در سیره ائمه اطهار به‌ویژه امام رضا علیه‌السلام، به عنوان یکی از فضیلت‌های اجتماعی مورد توجه قرار دارد.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمد الطاهر، (۱۳۷۹ق)، تفسیر التحریر و التنویر، مترجم: انصاری، مسعود، دار التونسیة للنشر.
۳. ابوت، پاملا، والاس، کلب، (۱۳۷۶)، درآمدی بر جامعه‌شناسی (نگرش‌های فمینیستی)، ترجمهٔ مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران، دنیای مادر.
۴. آمدی، عبد الواحد بن محمد، (بی تا)، شرح غررالحکم، تهران، نشر دانشگاه تهران.
۵. پیلهور، علی اصغر، (۱۳۵۰)، «تعاون و عدالت گسترده در فضای شهری»، ماهنامه تعاون، ش ۱۱۶.
۶. تمیمی آمدی، ناصح‌الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمد بن عبدالواحد، (۱۳۷۳)، غررالحکم و دررالحکم، تهران، دانشگاه تهران.
۷. جان، آرشرمهورن، (۱۳۸۱)، مدیریت و رفتار سازمانی، مترجم: ایران نژاد پاریزی، تهران، نشر مدیران، چ اول.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البتیة للاحیاء التراث.
۹. حکیمی، محمد رضا و دیگران، (۱۳۶۷)، الحیة، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. حکیمی، محمد، (۱۳۷۰)، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. داودی، محمد، (۱۳۸۴)، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. دشتی، محمد، (۱۳۸۹)، نهج البلاغه، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۱۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۹)، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۵. شریعتمداری، علی، (۱۳۷۴)، روان‌شناسی تربیتی، تهران، امیر کبیر.

۱۶. صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم، (۱۳۹۰)، *منتهی الأدب فی لغة العرب*، مترجم: محمدحسین فوادیان، تهران، دانشگاه تهران.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۶)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم ناصر مکارم شیرازی، تهران، انتشارات بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۲ق)، *مکارم الاخلاق*، چاپ ششم، بیروت، مؤسسه اعلمی.
۱۹. عطاردی، عزیز الله، (۱۴۰۶ق)، *مسند امام رضا علیه السلام*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۰. فجرى، محمد مهدى، (۱۳۸۵)، *یتیمان سرافراز*، قم، انتشارات مهر امیرالمؤمنین علیه السلام.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۳۶۲)، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. قمی، شیخ عباس، (۱۴۲۷ق)، *سفینه البحار*، چاپ چهارم، قم، دار الأسوه.
۲۳. کراچکی، ابوالفتح، (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، قم، دار الذخائر.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، *کافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۴ق)، *اصول الکافی*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۲۶. مازلو، آبراهام، (۱۳۶۷)، *روان شناسی شخصیت سالم*، ترجمه شیوا رویگردان، تهران، هدف.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، قم، مؤسسه الوفاء.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۴)، *منتخب میزان الحکمه*، مترجم حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، قم، دارالحديث.
۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۸)، *سیری در سیره نبوی*، چاپ ۴۹، تهران، صدرا.
۳۰. معین، محمد، (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی*، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۰)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. موسوی چلک، سیدحسن، (۱۳۸۷)، *مددکاری اجتماعی ۱ (کاربا فرد)*، تهران، سمت.
۳۳. نوری طبرسی، حسین، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
34. Hill, F & Huq, R, (2004), "Employee empowerment: conceptualization, aims and outcomes", *Total Quality Management Journal*, Vol, 15, No, 8, PP. 1025-1041.